

وحيانی بودن ساختار قرآن

حسن خرقانی

وحيانی بودن ساختار قرآن در نظام واژگانی، چگونگی چینش جمله ها و آیه ها و نیز قالب مصحفی آن، زیربنای بسیاری از بحث های قرآنی را پی ریزی می کند؛ و پرده برداری از معانی رازهای آن، می طلبد که بدانیم چه مقدار از این ساختار، وحيانی و از سوی خداوند است و چه مقدار ر مسلمانان صدر اسلام و مردمان پس از آنها در آن نقش داشته اند. روشن است که هر چه قلمرو وحيانی بودن گسترده تر باشد، قلمرو نکته سنجی و تیزبینی در این نظام واره آسمانی بازتر خواهد بود.

در این گفتار به یاری خدا قصد آن داریم تا به بررسی چگونگی سامان یابی و کامل شدن نظام کنونی آن در دوران رسالت پیامبر اکرم(ص) بپردازیم و اثبات کنیم که ساختار کنونی قرآن چه در انتخاب واژگان و نظم دهی آنها به صورت آیات و چه در تنظیم آیه ها ضمن سوره های کوچک و بزرگ و چه در مرتب کردن سوره ها به صورت مصحف مستند به وحی الهی است.

ساختار کنونی قرآن که از آغاز در میان مسلمانان متداول بوده بدین صورت است که از ۱۱۴ سوره تشکیل یافته و هر سوره به واحد های کوچک تری به نام آیه تقسیم می شود و تعداد این آیات در سوره ها متغیر است؛ کوچک ترین سوره (کوثر) سه آیه و بزرگ ترین آن (بقره) ۲۸۶ آیه دارد. آیه ها نیز برابر نظام ویژه ای از واژه ها و ترکیب ها تشکیل می شوند که حجم واژگانی آنها متفاوت است؛ از یک واژه مانند (مدهامتان) (رحمن/۶۴) آغاز شده و تا حجم یک صفحه نیز می رسند (بقره ۲۸۲).

ترتیب سوره های قرآن بدین گونه است که بجز سوره (فاتحة الكتاب) که آغازگر قرآن است، از بزرگ ترین سوره شروع و به طور تقریبی هر چه به انتهای قرآن پیش می رویم از حجم آیات کاسته شده و سوره ها کوچک تر می گردند و به سوره (ناس) ختم می شود.

سخن در این است که آیا تمامی این نظم و ترتیب ها وحيانی و مستند به خداوند هستند و با نظارت پیامبر او صورت گرفته اند، یا آن که صحابه در بخشی از این شکل دهی دخالت داشته اند. بررسی موضوع دارای اهمیتی درخور توجه است، زیرا بسیار تفاوت خواهد بود میان عملی که از پ رویدگار حکیم و آگاه به تمامی ظرافت ها و اسرار سخن سرزند، یا کاری که مستند به بندگان محدود و ظاهرنگر او باشد.

البته در قرآن تقسیمات دیگری نیز وجود دارند، مانند آن که به ۳۰ جزء تقسیم شده است و هر جزء ۴ حزب و هر حزب ۱۰ عشر دارد که از سوی مسلمانان و برای آسانی قراءت و تعلیم و تعلم آن انجام شده است. از این تقسیمات، دو تقسیم به خود قرآن بر می گردد: تقسیم قرآن به سوره ها و هر سوره به آیه ها. ۱

سخن درباره وحيانی بودن ساختار قرآن را در سه محور پی می گیریم:

۱. انتخاب واژگان و ترکیب آنها.

۲. تنظیم آیات در ضمن سوره ها.

۳. نظام بخشی به سوره ها در قالب مصحف.

وحيانی بودن واژگان قرآنی و نظم آنها همان گونه که معانی قرآن از جانب خداوند متعال است، پوشاندن لباس لفظ به این معانی و مفاهیم و چگونگی ترکیب و تنظیم الفاظ آن نیز از آن خداوند متعال است، نه پیامبر(ص)، نه جبرئیل امین و نه کس دیگر.

بنابراین، این احتمال بی اساس خواهد بود که معانی قرآن از آن خداوند است که با واسطه جبرئیل بر قلب پیامبرش نازل کرده و آن حضرت خود آن را در قالب الفاظ درآورده است و یا آن که بر جبرئیل معنی القا شده و او آن را با تعبیرات عربی بیان کرده است. ۲
دلیل بر بطلان این نظریه خود قرآن کریم و روایات است که تصریح دارند بر این که الفاظ و عبارات قرآن و ساختار آن از آن خداست.
از جمله در قرآن آمده است:

(و قرآناً فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً) اسراء/۱۰۶
بنابراین جدا سازی و تنزیل قرآن از سوی خداست و پیامبر مأمور قراءت آن است، و روشن است که مراد از قرآن آن چیزی است که در دسترس ما و شامل لفظ و معنی است و خداوند تنزیل آن را مستند به خود می کند.

کتابی که پیش روی داریم از جانب خداوند آمده است:

(قد جاءکم من اللّٰه نور و کتاب مبین) مائده/۱۵
خداوند آن را کلام خود خوانده و به صراحت به خود نسبت می دهد:
(و ان احد من المشرکین استجارک فأجره حتی یسمع کلام اللّٰه) توبه/۶
و کار پیامبر قراءت و تلاوت قرآن بر مردم بوده است: (اقرأ باسم ربک)، (واتل ما اوحی الیک من ربک) (کهف/۲۷) و واژه های قراءت و تلاوت بازگو نمودن سخن دیگران است.
بنابراین از آیات یاد شده و بسیاری دیگر از آیات همانند آنها این گونه برداشت می شود که قرآن در لفظ و معنی سخن خداست و جبرئیل مأمور بوده تا آن را به پیامبر برساند و پیامبر مأمور بوده تا آن را دریافت نموده برای مردم بازگو و تبیین نماید.

در روایات نیز قرآن، کلام خالق معرفی شده است، چنان که امام باقر(ع) درباره قرآن می فرماید، (لاخالق و لامخلوق، لکنه کلام الخالق) ۳ سخنان رسول اکرم(ص) نیز موجود است و اسلوب آن با اسلوب قرآن تفاوتی آشکار دارد. ۴

در نظم بخشی به واژگان قرآنی و در ساختار جملات و عبارات آن نیز، دست بشر دخالت نداشته و پس از نزول نیز هیچ گونه تغییر و تحولی رخ نداده است. برای دریافت بهتر این مسأله توجه به نکاتی که یاد می شود سودمند خواهد بود:

۱. استناد یک سخن به گوینده مانند شعر یا متن ادبی در صورتی است که وی به کلمات آن سامان بخشیده باشد و سبک بیانی آن گفتار یا نوشتار از آن او باشد و گرنه هر زبانی پر از واژگان گوناگون

است، و آنچه مهم می نماید گزینش واژگان مناسب برای بیان مقصود و چگونگی سامان دهی به آنهاست؛ بنابراین سخنی که خداوند آن را کلام خود می نامد، باید در معنی، گزینش الفاظ و ترکیب آنها با یکدیگر از آن او باشد.

۲. سهم مهمی از اعجاز قرآن بسته به همین نظم شگرف و اسلوب بیانی و ساختار آهنگین است که دیگران را یارای آوردن مانند آن نیست و اگر بنا باشد بشر در ایجاد چنین متنی دخالت داشته باشد و بتواند در نظم آن دست برد، مبارز جویی قرآن باطل گشته و اعجاز آن از میان خواهد رفت. در موارد معدودی از قراءات که واژگان دیگری به جای واژگان برخی آیات نهاده شده یا برخی کلمات پس و پیش شده است، نظر شخصی خود قاری است و نمی توان آن را قرآن شمرد و این نکته برای کسی که به ساختار قرآن آگاه باشد روشن است.

۳. امت اسلامی در تمامی دوران ها با همه فرقه ها و اختلاف هایی که داشته اند، در اینکه ساختار حاکم بر جمله ها و ترکیب های قرآنی از آن خداوند متعال است، هیچ گونه شک و تردیدی به خود راه نداده اند و همگی بر آن اتفاق نظر دارند. از این رو دانشمندان ادب عربی هرگز اه قاعده ای را استنباط می کردند که با قرآن ناسازگاری داشت، در فهم خویش تأمل می کردند و خطا را به خود راه می دادند نه به قرآن. ۵.

البته در میان آثار به جا مانده از گذشتگان به مواردی بر می خوریم که اشاره به جابجایی و تقدیم و تأخیر در بخشی از کلمات قرآنی دارد؛ از جمله تفسیر علی بن ابراهیم قمی در مقدمه ای که در اصناف آیات قرآن دارد، در بحث تقدیم و تأخیر، نمونه هایی از این دست را گاه ب اشاره به روایات مربوطه بر می شمرد. ۶.

برای آن که خواننده گرامی به یقین برسد که این گونه اوهام هیچ پایه و اساسی ندارد و شأن ائمه طاهرین (ع) برتر از آن است که این سخنان از آنها صادر شده باشد، نمونه هایی را ارزیابی می کنیم: درباره آیه (أفمن كان على بينة من ربه و يتلوه شاهد منه و من قبله كتاب موسى إماماً و رحمة) ۷ (هود/۷۷) روایت شده است که این آیه بدین گونه نازل شده بوده است: (أفمن كان على بينة من ربه و يتلوه شاهد منه إماماً و رحمة و من قبله كتاب موسى) این فرض تقدیم و تأخیر بر این نظر باید استوار باشد که مقصود از (و يتلوه شاهد منه) تنها حضرت امیر است و (اماماً و رحمة) هم صفت ایشان است نه صفت موسی. اگر ما این حدیث را بر خود قرآن عرضه کنیم می بینیم که در آیه ای دیگر کتاب موسی به امام و رحمت توصیف شده است:

(و اذ لم يهتدوا به فسيقولون هذا إفك قديم. و من قبله كتاب موسى إماماً و رحمة...) (احقاف/۱۲-۱۱)

بنابراین، این دو صفت درجای خود قرار گرفته اند و بدون مقدم داشتن آنها معنای آیه کامل و درست است و از سوی دیگر شاهد منحصر در حضرت امیر نیست تا توصیف به امام و رحمت شود، بلکه ایشان به عنوان مصداق بارز می توانند باشند.

در آیه (و قالوا ما هی إلا حیاتنا الدنیا نموت و نحیی) (جائیه/۲۳) نیز گفته شده است که دهریه اعتقادی به زنده شدن پس از مرگ نداشته اند تا بگویند می میریم و زنده می شویم؛ بنابراین، آیه این گونه بوده است: (نحیی و نموت) یعنی حیات می یابیم و می میریم. با دقت در این آیه کریمه روشن می شود که هیچ گونه تقدیم و تأخیری صورت نگرفته است و (نحیی) چه مقدم باشد چه مؤخر، به یک معنی خواهد بود: استمرار نسل انسانی با به دنیا آمدن افراد جدید نه برانگیخته شدن پس از مرگ، افزون بر آن که در صورت تأخیر (نحیی) چنانچه در مص حف کنونی است، معنی بهتر بوده و استمرار حیات بهتر ترسیم می شود و از نظر لفظی نیز کلام آهنگین و زیباتر می باشد.

نیز گفته شده است که در آیه (یا مریم اقتنی لربک واسجدی و ارکعی) (آل عمران/۴۳)، (ارکعی و اسجدی) بوده و جای این دو کلمه تغییر کرده است. این گوینده تصور کرده است که چون در نماز، رکوع مقدم بر سجود است، پس در این آیه نیز می باید مقدم باشد و حال آن که اسرار تق دیم و تأخیر کلمات در آیات قرآنی فراتر از موردی است که وی تصور کرده است و اگر وی آیه را کامل یاد می کرد خواننده به سادگی بطلان پندار وی را درمی یافت. آیه این گونه است: (یا مریم اقتنی لربک و اسجدی و ارکعی مع الراكعین) و روشن است که اگر (واسجدی مع الراكعین) می بود، آیه بسیار ناهماهنگ می شد.

آثار دیگری از این قبیل نیز هستند که یا قضاوت افراد بوده و منسوب به امام معصوم نیستند، یا اگر از امام نقل شده اند روایت هایی دست ساخته هستند و از امام صادر نشده اند و یا گاه مقصود امام تقدیم از نظر معنی بوده است.

روایات دیگری که مضمون آنها وجود تغییر و تبدیل در برخی کلمات قرآنی و یا برداشته شدن برخی الفاظ از آیات قرآنی و کاسته شده بخش هایی از قرآن است، داستان شان نیز از این قرار است و از نظر سندی و محتوایی قابل خدشه و رد هستند و در نهایت امر باید گفت روایاتی که درباره جابجایی و یا تغییر و تبدیل در کلمات و آیات قرآن رسیده اند، خبرهای واحدی هستند که قطع به صحت آنها نداریم؛ بنابراین در آنها توقف می کنیم و از ظاهر مصحف دست بر نمی داریم؛ همان گونه که علامه مجلسی در (بحارالانوار) یادآور شده است. ۸.

وحیانی بودن تنظیم آیات در ضمن سوره ها

آنچه از نحوه قرارگرفتن آیات در ضمن سوره ها و از مجموع اسناد و مدارک و روایات استفاده می شود آن است که ترتیب آیات در قالب سوره ها، حساب شده و بر اساس حکمت بوده و با ارشاد و راهنمایی های پیامبر(ص) صورت گرفته و رأی و سلیقه صحابه در به وجود آمدن ترتیب موجود دخالتی نداشته است.

در بررسی چگونگی سامان یافتن آیات یک سوره و نحوه دخالت وحی و نظارت پیامبر به سه گونه روش برمی خوریم:

۱. سوره های بسیاری داریم که مجموعه آیات آن در یک نوبت فرود آمده است و یا برخی قائل به نزول دفعی آنها شده اند. سوره هایی که به تمامی نازل شده اند از جمله سوره های طولانی هستند و گاه از سوره های کوچک؛ از جمله این سوره ها که در روایات نیز یاد شده اند، سوره ه ای فاتحه، انعام، صف، عادیات، ضحی، اخلاص، کافرون، کوثر، تبت، بینه، نصر، فلق و ناس هستند. ۹. نزول دفعی در بسیاری از سوره های کوچک قرآن امری طبیعی است، که اعتبار نیز آن را تأیید می کند.

سوره های فراوانی نیز داریم که به صورت پراکنده و در بخش هایی جدا از هم نازل شده اند و بنابر گفته سیوطی بیشتر قرآن این گونه است ۱۰ و از نمونه های آن در سوره های کوچک، علق را می توان نام برد.

پر واضح است که ترتیب سوره هایی که به طور کامل نازل شده اند بی هیچ دخل و تصرفی از سوی خداوند است.

۲. در سوره هایی که به طور تدریجی تکامل یافتند، عامل نخست و مهم در ترتیب یافتن آیات آنها همان ترتیب نزول بوده است؛ بدین معنی که پرونده سوره با (بسم الله الرحمن الرحیم) آغاز می گشت و آیاتی که در پی آن نازل می شدند در پس یکدیگر جای می گرفتند تا آن که بسمله ای دیگر نازل گردد و ختم آن سوره و شروع سوره ای جدید را اعلام نماید.

این شکل گیری طبیعی آیات در درون سوره ها، تصریحی ویژه از جانب پیامبر را نمی طلبید؛ چه کاتبان خود فهمیده بودند که آیات نازله را باید در سوره ای جای دهند که پیش تر نازل شده بود. ۱۱ البته از این امر نباید این گونه تصور و برداشت کرد که پس نظم قسمتی از آیات، تص ادفی و بدون برنامه بوده است، چرا که نزول تدریجی قرآن مسبوق به برنامه و جدولی حساب شده بوده است و در آیاتی که نازل می شد موقعیت مکانی و تناسب و هماهنگی با جایگاهی که خواهند داشت، در نظر گرفته می شده است؛ (کتاب احکمت آیاتہ ثم فصلت من لدن حکیم خبیر) (هود/ ۱) و (و قرآنأ فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث) اسراء/ ۱۰۶

مؤید این مطلب آن است که می بینیم این سوره ها از نظر ساختار با سوره هایی که یکبار نازل می شده اند، تفاوتی ندارند و آیات آغاز و پایان آنها متناسب و هماهنگ با مضمون سوره است.

۳. در مواردی از ثبت آیات، تصریح خاص پیامبر(ص) و تعیین آن حضرت سبب شده است تا آیه از ترتیب طبیعی نزول خود خارج شده و در جای دیگری قرار گیرد که ممکن است سوره ای باشد که در گذشته به اتمام رسیده است.

تاریخ، موارد اندکی از این دست را حکایت کرده است؛ از جمله از عثمان بن ابی العاص روایت شده که گفت: در محضر رسول اکرم(ص) نشسته بودم. در این هنگام دیدم که حضرتش ناگاه به جایی خیره شد، آن گاه چشمان خود را فروانداخت و فرمود: جبرئیل نزد من آمد و دستور داد تا آیه (ان الله یأمر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی) (نحل/ ۹۰) را در سوره نحل میان آیه شهادت و آیه عهد قرار دهم.

باز در این باره روایت است که آخرین آیه نازل شده (واتقوا يوماً ترجعون فيه الى الله) است که بنابر اشاره جبرئیل در سوره بقره آیه ۲۸۰ میان آیه ربا و ذین جای گرفته است. ۱۲

ابن عباس می گوید: طی دوران رسالت، سوره های متعددی بر پیامبر(ص) فرود می آمد، هر گاه آیاتی از قرآن نازل می شد حضرتش کاتبان وحی را فرا می خواند و می فرمود: این آیات را در ضمن سوره ای جای دهید که در آن چنین و چنان آمده است.

این نصوص مؤید آن است که چینش آیات کنار یکدیگر حساب شده و بر اساس سازگاری است، بنابراین اگر مکان مناسب تری برای آیات نازل شده وجود می داشت، از ترتیب نزول عدول می شد. دسته ای از آیات قرآنی از ترتیب نزولی خارج شده اند، اما نصی نداریم که این خروج را مستند به نظر پیامبر(ص) کند؛ مانند مواردی که ناسخ بر منسوخ مقدم آمده است، مثل آیه ۲۳۴ سوره بقره که عده زن را در وفات شوهر چهارماه و ده روز می داند و ناسخ آیه ۲۴۰ این سوره است که این مدت را یک سال اعلام می کند، اما مقدم بر آن آمده است.

درباره سوره (ممتحنه) نیز به طور مفصل توضیح می دهد که این سوره بر خلاف نظم طبیعی است؛ چرا که آیات ۱ تا ۹ آن در سال هشتم هجری، آیات ۱۰ و ۱۱ آن در سال ششم هجری و آیه ۱۲ در سال نهم هجری نازل شده است و آیه آخر آن نیز در ارتباط با آیه اول است. ۱۳

بی گمان این گونه موارد را نیز باید به اشاره و اشراف پیامبر(ص) بدانیم و ترتیبی را که خداوند در نظر داشته این چنین به حساب آوریم، نه آن که بر اساس این مصادیق برداشت شود که گردآوری قرآن بر خلاف ما نزل الله است؛ کاری که سوگمندان در برخی کتب حدیث دیده می شود.

اگر به عنوان نمونه در همان سوره ممتحنه نیک بنگریم در خواهیم یافت که ساختار سوره همانند دیگر سوره ها سنجیده و نظام مند است و تناسب آغاز و انجام و وحدت موضوعی بر آن حاکم است و اگر بخواهیم آن را بنابر ترتیب نزول مرتب سازیم، از قالب سوره ای منسجم و خوش ترتیب خارج خواهد شد و ساختار آن شباهتی با ساختار دیگر سوره ها نخواهد داشت.

سوره ممتحنه این گونه آغاز می شود: (یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء...) و این گونه پایان می یابد: (یا ایها الذین آمنوا لاتتولوا قوماً غضب الله علیهم...) این سوره درباره نهی از دوستی کردن مؤمنان با کافران و دشمنان دین خدا سخن می گوید و ه مان گونه که مشاهده می شود، آغاز و پایان سوره متناسب با مضمون آن و دارای (براعت استهلال) و (براعت ختام) است و آغاز و پایان آن نیز با همدیگر متناسب هستند. آیه های ۱۰، ۱۱، ۱۲ این سوره نیز با یکدیگر تناسب کامل دارند و درباره زنانی صحبت می کنند که از سوی کافران به سوی مؤمنان بیایند و به عکس آن؛ و نیز زنانی که برای بیعت خدمت پیامبر(ص) برسند، و این مسأله ای است که به مناسبت مطرح می شود که حال که مؤمنان با مشرکان پیمان صلح بسته اند اگر چنین اتفاق افتد چه کنند. بنابراین نمی شود آیه ۱۰ به عنوان آغازگر این سوره باشد و اگر این گونه باشد، مسأله ای فرعی به عنوان اصل و در آغاز سوره قرار می گیرد و نهی اصلی خداوند سبحان به عنوان مسأله ای ضمنی در میان سوره مطرح خواهد شد.

به هر حال توقیفی بودن ترتیب آیات، مسأله ای است که بیشتر قریب به اتفاق دانشمندان به آن معترف هستند و بسیاری ادعای اجماع کرده اند. دقت در نظم آیات هر سوره نیز این مسأله را به خوبی تأیید می کند و آیاتی نیز که درک ارتباط ظاهری آنها با آیات پیشین دشوار است با اندیشه و تأمل ارتباط شان روشن خواهد شد. ۱۴

البته برخی از دانشمندان شیعه مطابق بودن نظم کنونی آیات را با نظم موجود در زمان پیامبر، نسبت به تمامی آیات نپذیرفته و اجتهاد صحابه را در آن بی دخالت ندانسته اند، از جمله آنان علامه طباطبایی است که بر اساس روایات جمع قرآن، توقیفی بودن آیات را مورد تشکیک قرار داده و دخالت صحابه را در نظم آیات قرآن روا می داند. ۱۵

به هر حال ما با علامه در این جهت موافق نیستیم و در بحث از ترتیب سوره ها، درباره روایات جمع نقدهایی خواهیم آورد و نیز تأییداتی بر توقیفی بودن آیات خواهد آمد و خود علامه در کتاب قرآن و اسلام این گونه می نویسد:

(آنچه هرگز قابل تردید نیست و نمی شود انکار کرد این است که بیشتر سوره های قرآنی پیش از رحلت پیامبر در میان مسلمانان دائر و معروف بوده اند، در ده ها و صدها حدیث از طرق اهل سنت و شیعه در وصف تبلیغ پیغمبر اکرم(ص) یا یارانش پیش از رحلت و همچنین در وصف نمازهای ی که خوانده و روشی که در تلاوت قرآن داشته نام این سوره ها آمده است.

همچنین نام هایی که برای گروه گروه این سوره ها در صدر اسلام دائر بوده مانند سور طوال و مئین و مثنی و مفضلات در احادیثی که از زمان حیات پیغمبر(ص) حکایت می کند بسیار به چشم می خورد.) ۱۶

و حیانی بودن ترتیب سوره ها

آیا آنچه در نظم و ترتیب کتاب الهی مهم است، همان شکل یافتن آیات در قالب سوره هاست یا چگونگی جای گیری و ترتیب سوره ها نیز حائز اهمیت است؟ آیا آن که قرآن را بر پیامبرش فرو فرستاد، برنامه ای برای ترتیب فصل های آن نداشت، و آیا پیامبر اکرم(ص) در زمان حیات شریف شان برای منظم کردن سوره ها اقدامی انجام دادند یا این که کار را به مردمان واگذاشتند؟ توقیفی یا اجتهادی بودن ترتیب سوره ها دو واژه ای هستند که این پرسشها را در خود نهفته دارند. درباره گردآوری و تنظیم سوره ها که آیا توقیفی است و با اشاره پیامبر صورت گرفته است و یا اجتهادی است و پس از رحلت آن حضرت، اختلاف نظر وجود دارد و درباره آن سه دیدگاه ارائه شده است:

الف. توقیفی و مستند به پیامبر است.

ب. اجتهادی و مستند به صحابه است.

ج. در بخشی و حیانی و در بخشی دیگر اجتهادی است.

در این بخش به بررسی آراء یادشده و ادله آنها و سپس به داوری درباره آنها می پردازیم:

الف. توقیفی بودن ترتیب سوره ها

بسیاری بر این عقیده اند که ترتیب کنونی سوره های قرآن به ارشاد پیامبر(ص) می باشد و این ترتیب در زمان رسول اکرم(ص) وجود داشته است. از جمله این کسان، ابن انباری، کرمانی و طیبی می باشند؛ ابن انباری در کتاب (الرد علی من خالف مصحف عثمان) می نویسد:

(خداوند همه قرآن را تماماً بر آسمان دنیا نازل کرد و سپس آن را در مدت بیست و اندی سال به صورت پراکنده فرو فرستاد و جبرئیل، پیامبرش را بر جایگاه آیه ها و سوره ها آگاه می ساخت؛ بنابراین چینش و گردآوری سوره ها مانند گردآوری آیات و حروف است که تمامی آن از جانب پیامبر است؛ بنابراین اگر کسی سوره ها را پس و پیش کند در نظم قرآن خلل وارد ساخته و مانند کسی است که نظم آیات و کلمات را بر هم زده باشد.) ۱۷

کرمانی در (البرهان) می نویسد:

(ترتیب سوره ها بدین گونه که هست در نزد خداوند و در لوح محفوظ نیز همین گونه است و رسول خدا(ص) بر همین ترتیب آنچه را از قرآن جمع گشته بود، هر ساله بر جبرئیل عرضه می کرد و در سالی که در آن وفات یافت دوبار قرآن را بر جبرئیل عرضه کرد و آخرین آیه ای که نازل شد (واتقوا يوماً ترجعون فيه الی الله) بود که به اشاره جبرئیل، پیامبر آن را میان دو آیه ربا و دین قرار داد.)

طیبی نیز سخنی مانند این دو نقل دارد، ۱۸ و بنابر گفته آلوسی این سخنی است که از جماعت بسیاری روایت شده است. ۱۹

باقلائی نیز با تردید می گوید، احتمال دارد که پیامبر(ص) به این ترتیب امر کرده باشد و احتمال دارد که این ترتیب، ناشی از اجتهاد صحابه باشد. و دانی می گوید: جبرئیل پیامبر را بر موضع آیه و موضع سوره آگاه می ساخت. ۲۰

از دیگر کسانی که قائل به توقیفی بودن ترتیب سوره هستند، ابوجعفر نخّاس، ابن حصّار و ابن حجر هستند. ۲۱

نهبوندی در تفسیر (نفحات الرحمن) این گونه بیان می دارد که بدون هیچ شک و تردیدی آیه ها و سوره های قرآن مجید، ترتیبی دارد که مورد رضایت خداوند است و در لوح محفوظ ثابت بوده و بر پیامبرش نازل شده. وی این گونه استدلال می کند که حسن ترتیب از اموری است که در نیک و بودن هر کتاب دخالت دارد؛ بنابراین قرآن به عنوان بهترین کتاب ها، نظم و ترتیبش از جانب خداوند باید باشد و این نیک ترتیبی آیات و سوره های قرآن، از وجوه اعجاز آن به شمار می آید.

مؤید این مطلب آن است که خداوند این کتاب کریم را به ذات مقدس خود نسبت داده است و پرواضح است که کتاب، نام مجموعه مطالب مرتب و منظم است، پس زمانی که شخصی احادیث نبوی یا خطبه های حضرت امیر را در دفتری گرد آورد، این دفتر و دیوان به گردآورنده نسبت داده می شود، نه به آن دو بزرگوار. بنابراین اطلاق (کتاب الله) در آیات کریمه و روایات متواتره بر این مجموعه مرتب و منظم، به خوبی گویای آن است که علوم، نظم ترتیب و تألیف آن از سوی خداوند تبارک و تعالی است.

این مفسر پس از بیان دلیل ها و شاهدهایی دیگر نتیجه می گیرد که تمامی این امور، ما را به یقین می رساند که ترتیب آیات و سوره، به خواسته و میل صحابه و سلف نبوده، بلکه بنابر وحی پروردگار و اشاره رسولش بوده است. ۲۲

سید مرتضی اظهار می دارد که تمامی قرآن در زمان رسول اکرم(ص) آموزش داده می شد و حفظ می گردید... و گروهی از صحابه مانند عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب و غیر آن دو، قرآن را در حضور پیامبر(ص) چندین بار ختم کردند، و تمامی اینها با اندک تأملی دلالت بر این دارد که قرآن تدوین شده و مرتب بوده، نه پراکنده و از هم گسسته. ۲۳

بجز سید مرتضی، دانشمندان شیعی بسیاری، چه در گذشته و چه در حال، بر جمع قرآن در زمان پیامبر(ص) تأکید کرده اند که از میان آنها اشخاص ذیل را می توان نام برد:

شیخ صدوق ۲۴، امین الاسلام طبرسی ۲۵، فتح الله کاشانی ۲۶، سید ابن طاووس ۲۷، شیخ حر عاملی ۲۸، علامه شرف الدین ۲۹، آیه الله خوبی ۳۰، محمدتقی شریعتی ۳۱، علامه سیدمرتضی عسکری ۳۲، آیه الله حسن زاده آملی ۳۳، دکتر محمد حسین علی الصغیر ۳۴، سید جعفر مرتضی عاملی ۳۵ و علی کورانی ۳۶.

از دانشمندان متأخر و معاصر اهل سنت نیز بسیاری بر این باورند که ترتیب سوره توقیفی است، از جمله: آلوسی ۳۷، شیخ محمود شلتوت ۳۸، زرقانی ۳۹ و صبحی صالح ۴۰.

ب. نظریه اجتهادی بودن ترتیب سوره ها

گروهی از دانشمندان گذشته و حال، معتقدند که پیامبر(ص) در حالی وفات یافت که قرآن بر جریده های نخل، تخته سنگ ها، استخوان ها، تکه چرم ها و کاغذ و در سینه های مردم به صورت پراکنده بود، و گرچه آیات در ضمن سوره ها مرتب بودند و سوره ها نیز نام داشتند، اما قرآن به صورت مصحف و کتاب مدون وجود نداشت و ترتیبی نظام دار میان سوره های آن نبود و این کار در دوران های بعد انجام گرفت، بدین صورت که نخست در دوران خلافت ابوبکر، آیات قرآن به وسیله زیدبن ثابت در ضمن سوره ها به صورت صحیفه هایی نوشته شدند و سپس در زمان عثمان آن سوره ها نیز نظم و ترتیب یافتند. البته بنابر نظر شیعه پیش از همه این اقدامات حضرت امیر(ص) قرآنی گردآورده بودند که مورد پذیرش حکومت واقع نشد.

از جمله کسانی که ترتیب سوره ها را به دست صحابه می داند، ابن جزّی است. او می نویسد: (ترتیب سوره ها به شیوه کنونی، کار عثمان و زیدبن ثابت و کسانی است که با او مصحف را نوشتند. و نیز گفته شده کار پیامبر است، اما این نظر ضعیف است و روایاتی که در این باره وارد شده، آن را رد می کنند). ۴۱

ابن فارس نیز این ترتیب را از اموری می داند که صحابه بر عهده گرفتند. ۴۲ از دیگر قائلین به این نظریه علامه طباطبایی است که در ضمن بحث گسترده ای درباره جمع و تدوین قرآن، ترتیب سوره ها را از آن صحابه می داند و بر این مسأله استدلال می کند و به نقد دیگر آراء می پردازد. ۴۳

استاد معرفت نیز از طرفداران سرسخت این دیدگاه است و در (التمهید فی علوم القرآن) به دفاع از آن و مناقشه در رأی مخالف پرداخته است. ۴۴

درباره آن که کدام یک از این دو نظر طرفداران بیشتری دارد، سیوطی و زرکشی بر آنند که بیشتر دانشمندان علوم قرآنی ترتیب موجود سوره ها را به اجتهاد صحابه می دانند، ۴۵ اما آلوسی نظر اکثریت علما را بر توقیفی بودن می داند ۴۶. به هر حال، توقیفی بودن ترتیب سوره ها در میان دانشمندان معاصر طرفداران بیشتری دارد.

بدرالدین زرکشی که خود توقیفی بودن ترتیب سوره ها را ترجیح می دهد، سعی بر آن دارد که این اختلاف را لفظی و هر دو گروه را هم عقیده بداند به این بیان که کسانی که ترتیب سوره ها را به دست صحابه می دانند این مطلب را قبول دارند که صحابه به اسباب نزول و جایگاه کلمه ات قرآن آگاه بودند و رسول اکرم(ص) برای آنها به این ترتیب اشاره کرده اند. بنابراین جمع و ترتیب آنان مستند به پیامبر می شود. ۴۷

در واقع زرکشی می خواهد بگوید گرچه ممکن است تدوین سوره ها به دست صحابه و در دوران پس از پیامبر انجام شده باشد، اما این ترتیب بر اساس اشاراتی بوده که از سوی خود پیامبر در دوران حیات مبارک خود نسبت به ترتیب سوره ها وجود داشته است؛ بنابراین اگر چه خود پیامبر با دست خود سوره ها را در یک مصحف گرد نیاورد، اما چگونگی ترتیب سوره ها را برای مردم بیان کرده بود.

ج. وحیانی بودن ترتیب برخی سوره ها

گروهی از دانشمندان، رأی میانه ای را در ترتیب سوره ها اتخاذ کرده و ترتیب آنها را در بخشی توقیفی و در بخشی اجتهادی می دانند. این گروه در تعیین این حجم اختلاف نظر دارند؛ بیهقی ترتیب تمامی سوره ها را توقیفی می داند مگر در دو سوره انفال و براءت. دلیل وی در این استناد، روایتی است که پرسش ابن عباس از عثمان و پاسخ وی را در این باره حکایت می کند که چرا وی میان انفال که از مثانی و براءت که مئین است، جمع کرده. ۴۸ ما درباره این حدیث در آینده سخن خواهیم گفت.

ابن عطیه نیز به این نظر گرایش دارد که ترتیب بسیاری از سوره ها در زمان حیات پیامبر(ص) معلوم بوده، مانند (سبع طوال)، (حوامیم) و (مفصلات) و ترتیب سوره های دیگر و تنظیم آنها بر عهده مسلمانان نهاده شده بود. ۴۹

ابوجعفر زیبر نیز نظری مانند ابن عطیه دارد، اما حجم بیشتری از سوره ها را مرتب می داند و می گوید: موارد اختلاف، اندک هستند. ۵۰

جلال الدین سیوطی نیز از جمله کسانی است که رأی میانه را انتخاب کرده اند؛ وی در کتاب (تناسق الدرر فی تناسب السور) اصل تقدیم سوره های (طوال) بر (مئین)، (مئین) بر (مثانی) و (مثانی) بر (مفصلات) را به طور قطع، توقیفی می داند که در آن می توان ادعای اجماع کرد و اختلاف را منحصر در ترتیب سوره های این اقسام چهارگانه می داند. او می نویسد:

(کسی از من در این نظر پیشی نگرفته و دو امر مرا به این نظر واداشت:

۱. احادیثی که دلالت بر توقیفی بودن می کنند، و حدیث پرسش ابن عباس از عثمان.

۲. اتفاق تمامی مصاحف در این جهت که نخست، سوره های طولانی، سپس مثنائی و پس از آن مفصل را ذکر کرده اند و اختلاف شان فقط در ترتیب سوره های هر گروه است.)

سیوطی پس از تحریر محل نزاع می نویسد:

(نظری که من اختیار می کنم، همان نظری است که بیهقی گفته است که ترتیب تمامی سوره ها توقیفی است مگر انفال و براءت). ۵۱

از جمله دانشمندان معاصر که این نظر را برگزیده، عبدالله محمود شحاته است. وی پس از یادکرد سه دیدگاه یادشده می نویسد:

(من نظر نخست را دور از واقع می دانم و گمان می کنم ترتیب مصحف به اجتهاد صحابه نبوده است و اختلافاتی که در برخی مصاحف رخ داده، بر اثر اجتهاد فردی صاحبان آن مصاحف بوده که چون ترتیب مصحف عثمان و تلاش او در تدوین قرآن را دیدند، از او پیروی و بر پذیرش مصحف او اتفاق کردند و علی فرمود: آنچه عثمان انجام داد با نظر و اتفاق ما بود و اگر نمی کرد من انجامش می دادم.

بنابراین نظر دوم باقی می ماند که ترتیب سوره ها توقیفی است و نظر سوم که ترتیب در برخی سوره ها توقیفی و در برخی دیگر اجتهادی است، و من این نظر را ترجیح می دهم که ترتیب بیشتر سوره ها توقیفی و ترتیب برخی اجتهادی بوده است و این ترتیب به اشاره پیامبر(ص) بوده، چون صحابه به اسباب نزول و جایگاه کلمات قرآن آگاهی داشته اند. پس اختلاف بین دو گروه چنان که زرکشی می گوید، لفظی است). ۵۲

آقای دکتر حجتی نیز این عقیده را انتخاب کرده، می نویسد:

(ترتیب سوره ها در قرآن موجود - کم و بیش - به همان ترتیبی است که در زمان پیغمبر(ص) فراهم آمده است، زیرا بسیاری از مدارک شیعی و اهل سنت، وجود چنین ترتیبی را به طور نسبی - در زمان پیغمبر(ص) تأیید می کند. و در احادیث، اشاراتی دیده می شود که رسول اکرم(ص) به چ نین ترتیبی در سطح بسیاری از سوره قرآن اشاره فرموده، منتهی باید گفت که ترتیب همه سوره مانند ترتیب آیات، توقیفی نبوده، بلکه در ترتیب بعضی از سوره، احتمالاً رأی و نظر صحابه دخیل بوده است). ۵۳

در خلال نقل اقوال، گاه به دلیل های دیدگاه های سه گانه اشاره ای شد، اما برای آن که درباره تدوین قرآن و هنگامه انجام آن به قضاوت درستی برسیم، به یادکرد دلیل های کسانی که جمع قرآن را مستند به دوران صحابه و یا پیامبر می دانند و گاه نقد آنها می پردازیم.

دلیل های قائلان به جمع قرآن در زمان صحابه

۱. امکان تدوین سوره ها به شکل مصحف در دوران حیات رسول اکرم(ص) وجود نداشته است، زیرا در عهد آن حضرت هنوز انتظار فرود آمدن قرآن وجود داشته است و تا وقتی که وحی منقطع نشده

چگونه می توان سوره ها را به صورت مصحف گردآورد. بنابراین باید دوران رسالت سپری می شد و وحی کامل می گشت و آن گاه مرتب می شد. ۵۴

در حاشیه این دلیل این گونه می توان نوشت که ادامه داشتن نزول وحی نمی تواند مانعی برای مرتب شدن قرآن به شمار آید، زیرا همان گونه که ترتیب آیات در ضمن سوره ها سامان می یافت و حال آن که فرود آمدن قرآن ادامه داشته و آیات دسته دسته نازل می شدند، مجموعه قرآن را نیز می توانیم به صورت قفسه ای در نظر آوریم که اگر سوره ای جدید نازل می گشت، پرونده ای جدید در میان دیگر سوره ها و در جایگاهی مناسب برایش گشوده می شد، به ویژه اگر توجه داشته باشیم که ۸۶ سوره قرآن مکی هستند که پیش از هجرت نازل شده بودند و تنها ۲۸ سوره مدنی هستند که بیشتر آنها تا اواخر حیات پیامبر نازل شده بودند. فزون بر این، رسول خدا از طریق وحی بر رو به اتمام رفتن رسالت خویش آگاه بود و همان طور که در حجة الوداع برای مسأله ولایت و جانشینی خود تدبیری اندیشید و بار دیگر حضرت علی(ع) را به جانشینی خود معرفی کرد، برای نظم بخشیدن به سوره ها و مدون کردن آنها نیز می توانست تدبیری بیندیشد.

۲. مصاحف صحابه پیش از آن که عثمان قرآن را گردآورد در ترتیب سوره ها با یکدیگر اختلاف داشتند. اگر این ترتیب توقیفی بود و از رسول خدا رسیده بود، آنان هرگز اختلاف نمی کردند؛ چنان که گفته اند مصحف علی بن ابی طالب(ع) به ترتیب نزول بود، در اول آن سوره (اقراً)، ب عد (مدثر)، سپس (مزمّل) و پس از آن (تبت) و بعد از آن (تکویر) تا آخر سور مکی و مدنی؛ و همچنین در مصحف ابن مسعود، (بقره)، (نساء)، (آل عمران) ... قرار گرفته بودند و نیز مصحف ابی بن کعب و سایر مصاحف در ترتیب سوره ها با همدیگر یکسان نبودند. ۵۵

گروهی از اهل علم در توجیه این اختلاف پاسخ داده اند که آنچه از اختلاف مصحف صحابه روایت شده پیش از عرضه اخیر بوده است و پس از آن، پیامبر سوره ها را برای ایشان مرتب کردند. ۵۶
بیا آن که این مصاحف نوشته هایی شخصی برای یادآوری خود نویسندگان بوده، نه آن که غرض آنان به جا گذاشتن قرآنی تدوین شده باشد؛ از این رو در آنها تفسیر و برخی ادعیه وجود داشته و یا سوره هایی که قابل فراموشی نبوده نیامده اند. ۵۷ نکته جالبی که در مصحف صحابه مانند ابن مسعود و ابی بن کعب وجود دارد آن است که گرچه در ترتیب برخی سوره ها با هم تفاوت دارند، اما چارچوب کلی آنها که آغاز از سوره های بزرگ و پایان به سوره های کوچک است، یکسان است. ۵۸

درباره مصحف حضرت امیر(ع) دلیل معتبری نداریم که بیان کننده ترتیب نزول مصحف ایشان باشد مگر گفتار برخی دانشمندان مانند ابن ندیم، و اگر آن حضرت پس از پذیرفته نشدن مصحف شان آن را از دیگران نهان داشتند و فرمودند: دیگر کسی آن را نخواهد دید، چگونه بر عده ای روشن شده است که ترتیبش با مصحف کنونی تفاوت داشته است. البته ویژگی ممتاز مصحف ایشان آن بوده که مشتمل بر تنزیل و تأویل بوده است؛ یعنی فزون بر ثبت کامل متن مصحف، از زمینه ها و شأن نزول آیات، آگاهی لازم را در اختیار می گذاشته و از تأویلات و اسرار نهان قرآن نیز خ بر می داده است. ۵۹

۳. یکی از دلیل های عمده این نظر، مجموعه روایات و آثاری است که درباره گردآوری و تنظیم مصحف وارد شده و از آنها اجتهادی بودن ترتیب مصحف قابل استنباط است.

گروهی از این روایات که بیشتر در آثار اهل سنت و گاه در آثار شیعی آمده، روایات مربوط به جمع و تدوین قرآن در زمان خلفاست که به آن اشاره شد و هنگام یادکردن دلیل های نظر مقابل، نقد آن خواهد آمد.

از جمله این اشته نقل می کند:

(عثمان فرمان داد که سوره های طوال را پی در پی قرار دهند، و سوره های انفال و توبه را جزء هفت سوره طولانی قرار داده و آنها را با (بسم الله الرحمن الرحيم) از یکدیگر جدا نکرد. و باز به روایتی، ابن عباس از عثمان می پرسد، چرا میان انفال و توبه بسم الله نیامده است؟ و عثمان پاسخ می دهد چون رسول خدا بدرود حیات گفت و روشن نشد برای ما که این، دو سوره است یا یک سوره، از این رو این دو را کنار هم نهادیم.) ۶۰

البته درباره صحت این حدیث تشکیک شده است و تک حدیثی است که برخی آن را نپذیرفته اند. ۶۱ و بر فرض صحت، دلالت آن همین اندازه است که اجتهادی بودن ترتیب این دو سوره را برساند، همان گونه که بیهقی و سیوطی از آن استفاده کرده اند. ۶۲ و اگر ترتیب دیگر سوره ها امری اجتهادی و بی سابقه بود، به طور یقین سؤالات و نقدهای بسیاری درباره چگونگی آن مطرح می شد. سوره های انفال و توبه نیز تناسب شان به اندازه ای زیاد است که این مسأله را تقویت می کند

که این دو یک سوره باشند، ۶۳ همان گونه که از امام صادق (ع) نیز روایت شده است. ۶۴

این نکته نیز قابل توجه است که پذیرفتن روایات جمع، با قائل شدن به توقیفی بودن سوره ها منافاتی ندارد و بسیاری از نویسندگان اهل سنت که در این باره دست به تألیف زده اند، در عین آن که جمع و تدوین قرآن را در زمان خلیفه اول و خلیفه سوم می پذیرند، ترتیب سوره ها را نیز توقیفی می دانند؛ یعنی این نظم و ترتیب بر اساس آنچه بوده که از رسول خدا شنیده بودند. جمعی از روایات منحصر در منابع شیعی هستند که مورد استناد دانشمندانی از شیعه که ترتیب سوره ها را به اجتهاد صحابه می دانند، قرار گرفته اند.

از آن میان، روایتی است که استاد معرفت بر آن تأکید فراوان دارد؛ در بحارالانوار از ارشاد شیخ مفید روایت شده است که جابر از امام باقر (ع) روایت می کند که فرمود:

(إذا قام قائم آل محمد (ع) ضرب فساطيط لمن يعلم الناس القرآن على ما أنزل الله جلّ جلاله، فأصعب ما يكون على من حفظه اليوم، لانه يخالف فيه التأليف.) ۶۵

زمانی که قائم آل محمد (ص) قیام کند. سراپرده هایی برای آموختن قرآن به مردم بر اساس آنچه خدا نازل کرده بر پا خواهد کرد، این کار بر کسی که قرآن را به شکل فعلی حفظ باشد دشوارتر است، چون که تألیف آن قرآن متفاوت با ترتیب کنونی است.

استاد معرفت این گونه استفاده می کند که آن قرآن در ترتیب سوره ها و برخی آیات با مصحف حاضر تفاوت دارد. ۶۶

اگر بخواهیم این حدیث را با همین تأویل بپذیریم، باید بیش از آنچه را جناب استاد پذیرفته اند بپذیریم؛ چرا که تنها مخالفت در ترتیب سوره ها و بخش کوچکی از آیات باعث دشواری بر حافظ قرآن نمی شود و حال او را مشکل تر از حال دیگران نخواهد ساخت؛ زیرا حافظ قرآن به راحتی می تواند ترتیب جدید سوره ها را فرا بگیرد و جابجا کردن مثلاً ۲۰ آیه نیز بر او دشوار نخواهد بود و به آسانی با ترتیب جدید خو می گیرد، بنابراین لازمه التزام به این حدیث آن است که ترتیب قرآن را در حجم قابل توجهی مخالف با ترتیب واقعی آن بدانیم، و این سخن را هیچ قرآن پژوهی نخواهد پذیرفت و از نظم و ترتیب استوار و دقیق آیات چشم پوشی نخواهد کرد. پس بهتر آن است که واقعیت امر را به زمان وقوع آن موکول کنیم و با خبری واحد، ترتیب قرآن را بر خلاف آنچه خدا خواسته است ندانیم.

دلیل های معتقدان به جمع قرآن در زمان پیامبر

۱. شاید مهم ترین دلیل کسانی که جمع قرآن را مستند به زمان پیامبر می دانند، ناستواری و تعارض های احادیثی است که حکایت از جمع قرآن در زمان خلفا و به دست آنان دارند. و به طور طبیعی زمانی که احتمال دیگر که جمع قرآن پس از وفات پیامبر باشد رد شد، نتیجه خواهد داد که گردآوری و مجموعه شدن قرآن در سال های حیات رسول اکرم و با نظارت ایشان بوده است. از نقدهای مهم این احادیث، کاری است که آیه الله خویی (ره) در (البیان) انجام داده و در آثار دیگر نویسندگان بازتاب گسترده ای داشته است. ۶۷

دیدگاهی که ایشان از آن زاویه به جمع و تدوین قرآن (اعم از آیات و سوره) بدان می نگرند، پاسخگویی به یکی از شبهات گروندگان به نظریه تحریف قرآن است. ریشه این شبهه به این امر بر می گردد که جمع قرآن به دستور ابوبکر و در پی کشته شدن هفتاد نفر از قاریان قرآن در (بئ) ر معونه) و شهادت ۴۰۰ نفر دیگر در نبرد (بمامه) بود، و روندی که این جمع داشت که زیدبن ثابت قرآن را با دو شاهد می پذیرفت و ثبت می کرد، به طور طبیعی اقتضای آن را دارد که قسمتی از قرآن در این میان از بین رفته باشد.

آیه الله خویی برای پاسخگویی به این شبهه، نخست مجموعه روایات (جمع قرآنی) را که بالغ بر ۲۲ مورد می شود، از منابع اهل سنت گردآوری می کند و سپس به نقد آنها می پردازد. بدین شرح که فزون بر آن که این احادیث، خبرهای واحدی هستند که اطمینان آور نیستند، به جهت های زیر مخدوش هستند:

یک. خود این احادیث با یکدیگر تناقض دارند و ۱۲ نقطه مورد اختلاف در آنها یافت می شود؛ مانند آن که قرآن چه هنگام به صورت مصحف درآمد؟ چه کسی متصدی این کار شد و

دو. این روایات با احادیثی که جمع قرآن را در عهد رسول الله (ص) می دانند، معارض اند. سه. این احادیث با آیاتی از کتاب که دلالت بر مشخص بودن سوره های قرآن و انتشار آنها میان مردم دارند، به گونه ای که به آوردن مثل آنان تحدی و مبارزه جویی شده، منافات دارند.

و نیز با اطلاق لفظ کتاب در لسان قرآن و روایات منافات دارد، زیرا ظاهر واژه کتاب آن است که مجموعه ای نوشته شده میان دو جلد باشد.

چهار. احادیث جمع، با حکم عقل منافات دارد، زیرا چگونه می شود با آن همه شهرت، عظمت و اهمیتی که قرآن در نزد پیامبر و مسلمانان داشت، جمع آوری نشود تا از تباه شدن مصون بماند. پنج. بنابر اجماع مسلمانان، نص قرآنی به صورت متواتر از پیامبر رسیده است و جزاین راهی نیست و حال آن که برخی از این روایات اشاره دارد که گردآورندگان قرآن، آن را با شهادت دو و گاه یک مرد ثبت می کردند.

شش. این روایات بر فرض صحت، تحریف در نصوص قرآن را در پی دارد؛ چه تحریف به کاستی و نقص و چه تحریف به زیادی و افزایش، البته در حد کلمه یا آیه، و این امر مخالف با ضرورت دین و اجماع است.

آیه الله خوبی در پایان این گونه نتیجه گیری می کند که نسبت دادن جمع قرآن به زمان خلفا امر موهومی است که مخالف با کتاب، سنت، اجماع و عقل می باشد، بنابراین مدعی تحریف نمی تواند به این احادیث برمدعای خود استدلال کند... ۶۸.

استاد معرفت در (التمهید) در صدد پاسخگویی از این اشکالات برآمده و قضیه جمع قرآن را واقعه ای تاریخی دانسته است که باید به نصوص تاریخ رجوع کرد، نه مسأله ای عقلانی و قابل بحث و جدل، و افزوده است که مورخان بر این مسأله که ترتیب سوره ها پس از وفات پیامبر صورت گرفته است، اتفاق کلمه دارند. ۶۹.

علامه سید مرتضی عسکری نیز در کتاب (القرآن الکریم و روایات المدرستین)، پس از نقل روایات جمع قرآن، بر اساس آنچه در این روایات آمده است، به مناقشه در آنها می پردازد و یادآور می شود که علمای گذشته نیز به تناقض روایات جمع قرآن توجه داشته اند، مانند قاضی ابن طیب که قاضی ابوبکر بن عربی در صدد پاسخگویی به او و توجیه تناقض روایات بر آمده است. ۷۰.

نظر علامه عسکری آن است که قرآن در زمان پیامبر(ص) با وحی جبرئیل جمع شده بود و روایاتی که درباره قرآن وارد شده، تمامی دروغ است، و کاری که خلفا نسبت به قرآن انجام دادند آن بود که آن را از وحی بیانی، که احادیث پیامبر بود، مجرد ساختند. ۷۱.

آیت الله بروجردی در درس اصول خود، در بحث حجیت ظواهر کتاب، به طور اجمال به نقد شبهه تحریف پرداخت، سخن ایشان درباره روایات جمع چنین است:

(هدف عامه در نقل این روایات، بیان فضیلت ابی بکر و عمر و نشان دادن خدمت آن دو به اسلام می باشد و از جانب آنان این روایات در میان خاصه راه پیدا کرده است، و اهل سنت در نقل این روایات که باعث کوبیدن عظمت قرآن می شود، برای بزرگداشت خلفا افراط کرده اند، همچنان که شیعه نیز در نقل روایاتی که دلالت می کند علی(ع) قرآن را گردآورد و آن را نزد مردم برد و آنان آن را نپذیرفتند، افراط کرده اند... ۷۲.

یکی از جدیدترین و گسترده ترین تحقیقات درباره گردآوری و تدوین قرآن، کاری است که نگارنده کتاب (تدوین القرآن) انجام داده است. کتاب یادشده به دقت و با شیوه تحلیلی به سیر جمع قرآن

در زمان خلفا پرداخته است و ثابت کرده که این روند بر اثر سیاست بازی ها بوده است . مؤلف در پاسخ به این سؤال که آیا چیزی به نام مشکله جمع قرآن وجود داشته است یا نه، می نویسد: (بیشتر روایات جمع قرآن تلاش کرده اند که ثابت کنند قرآن در زمان پیامبر(ص) تمامی آن در مصحف واحدی جمع نشده بود و سوره ها و آیاتش در نزد افراد گوناگون پراکنده بود، اما کسی که درمصادر حدیث و تاریخ پی جویی کند، یقین خواهد کرد که قرآن از زمان پیامبر(ص) در مصحف ی جمع شده بود و آن نسخه در منزل پیامبر(ص) در مسجد آن حضرت و در نزد بسیاری موجود بود، همچنان که در سینه بسیاری از یاران و اطرافیان آن حضرت حفظ شده بود، مشکلی که وجود داشت مشکل حکومت بود که از اعتماد بر نسخه ای از قرآن به عنوان نسخه رسمی تمامی مسلمین واهمه داشت.

بنابراین عمر به عنوان حاکم، از سویی نسخه هایی از قرآن را که علی(ع) آورد طرد کرد، و انصار را نیز از اقدام بر تهیه نسخه ای که دیگران بر آن اعتماد کنند، بازداشت، زیرا این عمل را حق دولت می دانست، و از سوی دیگر از روی قرآن متداول در میان مردم نیز نسخه ای تهی نکرد تا به دیگر سرزمین ها بفرستد، زیرا نمی خواست بر نسخه معینی اعتماد کرده باشد.

از جانب دیگر اقدام به تشکیل کمیته جمع قرآن، متشکل از خلیفه عمر و زیدبن ثابت نمود. این کمیته کارش به درازا کشید و نسخه ای از قرآن به مسلمانان تقدیم نکرد، بلکه نسخه ای را که گردآورد، در دست خلیفه ماند؛ از این رو دولت اسلامی در طول سال های زمامداری دو خلیفه اول بدون نسخه ای رسمی ماند.

و حکومت با حدیث (احرف سبعة) بر اختلاف مردم در قراءت نص قرآن پاسخ گفت، تا آن که این مشکل به اوج خود رسید. پس خلیفه سوم عثمان به پاخواست و نسخه فعلی قرآن را در سال ۲۵ هجری تهیه کرد.) ۷۳

نگارنده کتاب (تدوین القرآن) پس از بیان این مطالب به تفصیل آن و ذکر دلایل مجموع بودن قرآن می پردازد.

۲. یکی دیگر از دلایلی که طرفداران وحیانی بودن ترتیب سوره ها به آن استدلال کرده اند، این است که صحابه بر مصحف عثمان اجماع کرده اند و کسی از آنان با آن مخالفت نکرد. اجماع آنها خود دلیل بر توقیفی بودن مسأله است؛ چه اگر از مسائل اجتهادی بود و چنین کاری به اخت یار مسلمان ها بود اختلاف نظر پیش می آمد و بایستی نسخه های قرآن با یکدیگر مختلف می شد و هر کس به ذوق و تشخیص و میل خود سوره ها را می نوشت، و مشکل است که بگوییم تمامی مسلمان ها در این جهت تسلیم خلیفه شدند و به آسانی تمکین کردند و از ترتیب خود چشم پوشیدند. ۴۷

۳. از جمله دلایلی که بر توقیفی بودن ترتیب سوره ها وجود دارد حالت خاصی است که بر چینش سوره ها حاکم است؛ سوره هایی که با (حم) یا (الر) شروع می شوند، پشت سر هم قرار گرفته اند، اما سوره هایی که با (تسیح) شروع می شوند پی درپی نیامده اند؛ و سوره (طس) میان دو سوره (طسم شعراء) و (طسم قصص) فاصله شده است که در مطلع مانند یکدیگرند. همچنین سوره

(مطففین) میان دو سوره (انفطار) و (انشقاق) واقع شده است که در آغاز و انجام همانند یکدیگرند. پس اگر ترتیب سوره ها توقیفی نبود و از روی اجتهاد مشخصی انجام گرفته بود، بی گمان می‌بایست (مسیحات) پشت سرهم می‌آمدند، (طس) پس از (قصص) ذکر می‌شد و (مطففین) قبل از (انفطار) یا بعد از (انشقاق) قرار می‌گرفت و میان سوره های دارنده (الر) نیز فاصله می‌افتاد. ۷۵

دلیل یادشده از راه عدم وجود ملاک مشخص در ترتیب موجود، نشان دهنده توقیفی بودن ترتیب سوره ها است.

برخی از این طریق استدلال کرده اند که وجود تناسب و ارتباط میان سوره ها و ملاک هایی که در ترتیب آنها وجود دارد، ما را به توقیفی بودن رهنمون می‌شود. زرکشی می‌نویسد:

(درباره ترتیب موجود سوره ها در مصحف، نشانه هایی هستند که ثابت می‌کنند این ترتیب، توقیفی و صادر از حکیم است، گاه بر اساس حروف مقطعه آغاز آنها پشت سرهم قرار گرفته اند، چنان که در (حوامیم) می‌بینیم، و گاه بنا بر موافقت معنایی اول یک سوره با پایان سوره قبل، مانند: آخر حمد و اول بقره، و زمانی نیز به علت هماهنگی در آهنگ پایانی آیات، مانند آخر (تبت) و اول (اخلاص)، و سرانجام گاهی بر اساس وجود شباهت کلی مطالب دو سوره پی در پی مانند: (والضحی) و (الم نشرح). ۷۶)

وی سپس به نقل توضیحی مفصل، درباره ترتیب چهار سوره مدنی آغاز قرآن می‌پردازد. ۷۷

۴. یکی از دلیل های مهم این نظر اهتمام فراوانی بود که رسول اکرم(ص) و صحابه ایشان به قرآن داشتند. پس با وجود این اهتمام چگونه ممکن است جمع قرآن تا زمان خلافت ابی بکر به تأخیر بیفتد و کار به آنجا برسد که در جمع آن نیاز به دو شاهد باشد تا شهادت دهند که آن را از پیامبر شنیده اند. ۷۸

۵. یکی دیگر از ادله کسانی که ترتیب یافتن سوره های قرآن را در زمان پیامبر(ص) می‌دانند، اخبار و روایاتی است که این نظر را تأیید می‌کند. از جمله از زید بن ثابت نقل شده که گفت (کنا عند رسول الله نؤلف القرآن من الرقاع). ۷۹ صبحی صالح این گردآوری و تألیف قرآن از روی ورقه ها و صفحه های کاغذین و پوستین را، ترتیب دادن سوره و آیات معنی می‌کند. ۸۰

درباره توقیفی بودن چینش سوره ها دلیل های دیگری نیز اقامه شده است، ۸۱ که به آنچه یاد شد بسنده می‌کنیم. گر چه ممکن است در برخی از این دلیل ها خدشه هایی وجود داشته باشد، اما اگر به مجموع آنها بنگریم نظم یافتن سوره ها در حیات رسول اکرم(ص) را ثابت خواهند کرد.

داوری درباره دیدگاه های یادشده

در بحث ترتیب سوره ها، ما در برابر سه نظر قرار گرفته ایم که هر کدام دلایل خاص خود را دارند و زمانی که به تنهایی در برابر هر دسته قرار گیریم ما را همراه خود خواهند ساخت. در یک ارزیابی کلی از دیدگاه های طرفین به روشنی در خواهیم یافت که دیدگاه توقیفی بودن ترتیب سوره ها به هیچ وجه از نظر استحکام و شواهد تاریخی و اعتباری از دیدگاه کسانی که ترتیب آنها را پس

از حیات پیامبر(ص) می دانند کاستی ندارد، بلکه در پذیرش اجتهادی بودن ترتیب سوره ها با پرسش ها و ابهاماتی مواجه خواهیم بود که نادیده انگاشته شده اند.

چگونه می توان تصور کرد که در طول سالیان زیادی، چه در حیات پیامبر(ص) و چه پس از رحلت ایشان، مسلمانان آن همه به قرآن و قراءت آن اهتمام داشته باشند، اما از پیامبر و از صحابه نزدیک آن حضرت نپرسند که سوره ها را به چه ترتیب بخوانند؟ مگر می شود این مسأله امری ک اماً بی اهمیت باشد و همه در باور خود به این رسیده باشند که از حدود سیزده هزار وجه متصور در ترتیب سوره های قرآن، ۸۲ هیچ کدام بر دیگری ترجیح ندارد و تنها چیزی که در روی زمین بی خاصیت است و هیچ گونه حکمتی در آن نهفته نیست، همین چگونگی ترتیب سوره ها است.

این که ما در زمان عثمان هیچ گونه مخالفتی نسبت به ترتیب سوره ها در مصحف وی نمی بینیم نیز مؤیدی قوی است که این ترتیب برای مردم امری شناخته شده بوده است.

بنابراین، تصور این که هیچ گونه ترتیبی بر سوره های قرآن حاکم نباشد، بسیار دشوار است.

دکتر رامیار می نویسد:

(اما این که می گویند قرآن در زمان رسول خدا در دفتری گرد نیامد و برای توجیه آن عللی ذکر می کنند. سخنی مایه دار نیست و منظور از این که مجموع نبود و در دفتری نبود چیست؟ این سخن بی گف و گو است که تمام قرآن در زمان رسول خدا نوشته بوده است، حال این نوشته ها، خ واه میان دو جلد و خواه بیرون از دو جلد و پراکنده، وقتی یکجا جمع شود خود مجموعه ای است.

عللی هم که برای آن ذکر می کنند به هیچ وجه مانع از مجموع بودن نیست؛ یعنی دسترسی داشتن به پیامبر(ص)، بیم از نسخ که در قرآن جای گف و گو است و معلوم نبودن ترتیب، موجب بوده که مجموعه ای تدوین نشود. به واقع که هیچ یک از این علل، بر فرض وجود، نمی توانسته مانع ب اشد. درست است که همیشه و هر لحظه پیامبر گرامی در دسترس مسلمانان بود و هر مشکلی را پاسخگو بود، اما حضور پیامبر که مانع جمع نمی شد. نسخ هم اگر پیش می آمد اجرا می شد. ترتیب هم که همین بود و بعد هم چنان که از حضور پیامبر آموخته بودند همان ترتیب را

برگزیدند.) ۸۳

به هر صورت چیزی که مورد اتفاق تمامی مسلمانان است آن است که به هیچ روی جائز نیست قرآن به گونه ای دیگر و با ترتیبی دیگر نوشته یا چاپ گردد. گرچه رعایت ترتیب سوره ها هنگام قراءت لازم نیست و هیچ گونه تلازمی میان توقیفی بودن ترتیب سوره ها و لزوم رعایت این ترتیب هنگام قراءت وجود ندارد، البته معکوس خواندن آیات مورد نهی قرار گرفته است.

اگر بدون در نظر گرفتن هر آنچه درباره ترتیب سوره ها گفته شده خواهیم ترتیب کنونی و امتیازات آن را مورد ارزیابی قرار دهیم، خواهیم دید که ترتیبی نیکوست و بر دیگر ترتیب ها ترجیح دارد.

توضیح آن که درباره چارچوب و قالب سوره ها چهار پیشنهاد می تواند مطرح باشد:

۱. ترتیب کنونی که از سوره های بزرگ شروع و به سوره های کوچک ختم می شود.

۲. عکس این ترتیب یعنی شروع از سوره های کوچک و ختم به سوره های بزرگ.

۳. چینش سوره ها بر طبق ترتیب نزول.

۴. نداشتن هیچ گونه ترتیبی.

امتیاز مشترک میان دو ترتیب نخست آن است که مکان قرارگرفتن سوره های کوچک و بزرگ و متوسط مشخص است و پیدا کردن سوره و آیه ای از آن آسان خواهد بود. برای آموزش کودکان و کسانی که در ابتدای راه هستند نیز این جداسازی بسیار سودمند است.

اما از میان این دو کدام بهتر است؟ شاید بتوان گفت برای تلاوتگر قرآن در آغاز کار، داشتن نشاط باعث می شود خواندن سوره های بزرگی مانند بقره ساده و لذت بخش باشد و هر چه به سمت آخر قرآن پیش می رویم، سوره ها کوتاه تر شده و منزل گاه ها نزدیک تر می شوند، به گونه ای که با نزدیک شدن به پایان ختم قرآن، خواننده نشاط خود را افزون می بیند و خود را درجاده ای سرازیر می یابد که پیمودن آن آسان است، در حالی که اگر این ترتیب بر عکس بود، خواننده خود را در راهی رو به بالا می یافت که پیمودنش سخت می نمود.

طریق چهارم که ترتیب نداشتن سوره ها می باشد با روح اسلام که دینی نظام مند و وحدت آفرین است و برای جزئی ترین مسائل نظم و ترتیب قرارداده، ناسازگار است.

در این میان چینش بر طبق ترتیب نزول باقی می ماند که فایده مهمی که برای آن ذکر می کنند، هم گامی با مراحل دعوت پیامبر و آگاهی از سیر حرکت آن است. گرچه این مسأله حائز اهمیت است، اما زمانی که ترتیب آیات در سوره ها بر طبق نزول نباشد و در موارد متعددی با آن مخالفت شده باشد، ترتیب نزولی سور تا چه اندازه کارساز خواهد بود؟ فزون بر این که برای کسانی که مایل به دانستن این امر باشند تاریخ و روایات وجود دارد که بازگو کننده این ترتیب باشد و سیر حرکت دعوت پیامبر را مشخص سازد. و مسأله مهم تری که تمامی مسلمانان همیشه با آن در ارتباطند، ترتیبی است که دستیابی به آیات و سوره ها را برای آنها آسان سازد و تصور کنید که قرآن مخلوطی از سوره های بزرگ و کوچک باشد که در ترتیب، اندازه های مختلفی داشته باشند، آیا واقعاً این ترتیب را خواهیم پسندید، و چقدر برای ما دشوار خواهد بود اگر بخواهیم سوره ای خاص را در آن بیابیم؟

بنابراین از انصاف نباید گذشت که چارچوب کلی ترتیب قرآن بهترین چارچوب است و اگر کسی ترتیب سوره ها را به تمامی از آن پیامبر و وحیانی نمی داند دست کم باید این قالب کلی را وحیانی بداند و تغییرات را اندک و در درون بخش های هر یک از سوره های طوال، مئین، مثنی و مفضلات بداند.

ترتیب قرآن، ترتیبی طبیعی و سازگار است و در مجموع از سوره های طولانی به سمت سوره های کوچک می رود، اما با این حال ترتیبی کلیشه ای و خشک نیست که در لابه لای آن حتماً سوره بعد کمی کوچک تر از سوره پیش از خود باشد. و حکمت هایی دیگر گاه باعث می شود که با تفاوت ه ای اندک گاه سوره کوچک تر مقدم شده باشد.

در پایان این نکته را می افزاییم که خود قرآن کریم تصریح دارد که خداوند قادر و حکیم، خود نگاهبان و حافظ قرآن از هر گونه گزند است و هیچ خللی در این کتاب استوار و عزیز راه نخواهد یافت. ۸۴

(انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون) حجر/۹

(و انه لكتاب عزیز. لایاتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید)

فصلت/۴۱-۴۲

و این صیانت همان گونه که شامل هرگونه کاستی و افزایش در قرآن است، شامل نظم و ترتیب آن نیز می شود، چه آن که نظم قرآن امر مهمی است و هرگونه خللی در آن، امر باطلی محسوب می شود که از ساحت قدسی قرآن به دور است.

۱. در این باره بنگرید: المیزان، ۱۳ / ۲۲۶-۲۲۷.

۲. سیوطی در (الاتقان) جلد اول صفحه ۱۵۷، درباره آنچه بر پیامبر نازل شده سه قول نقل می کند: ۱. لفظ و معنی از لوح محفوظ بر پیامبر نازل شده است. ۲. جبرئیل تنها معنی قرآن را فرود آورده است و خود پیامبر(ص) پس از آگاهی یافتن از معانی با زبان عربی از آنها تعبیر کرده است. ۳. بر جبرئیل معنی القا شده و او آنها را به قالب زبان عربی درآورده است.

زرقانی در (مناهل العرفان) جلد اول، صفحه ۴۲ و مناع القطان در (مباحث فی علوم القرآن)، صفحه ۳۵، به نقل و نقد این دو نظریه اخیر پرداخته اند و آن را باطل شمرده اند. استاد میرمحمدی در کتاب (تاریخ القرآن و علومه) صفحه ۸۲ - ۹۲، به نحو شایسته ای به این مسأله می پردازد و بر وحیانی بودن الفاظ قرآن استدلال می کند.

مقصود فراستخواه در کتاب (زبان قرآن) صفحه ۳۰۵، این دیدگاه را از معمر بن عباد سلمی (م ۲۲۸) که از سران معتزله است نقل می کند که وی معتقد بوده: سخن گفتن خدا با انسان به این صورت است که استعداد و قابلیتی در او پدید می آورد تا کلمه ای بسازد و آن کلمه اراده و قصد خدا را آشکار سازد. استاد معرفت در کتاب (علوم قرآنی) صفحه ۷۵، در بحث وحیانی بودن ساختار قرآن با مراجعه به مستند این نسبت که (مقالات الاسلامیین) ابوالحسن اشعری باشد این برداشت را اشتباه می داند و در بحث یاد شده به پاسخگویی این شبهه می پردازد. به هر حال این شبهه نظری است که اگر چه مردود است، اما طرح آن از سوی عده ای صورت گرفته است.

۳. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ۹۲ / ۱۲۰.

۴. در این زمینه بنگرید به: بحوث فی تاریخ القرآن و علومه، ابوالفضل میرمحمدی، ۸۲ - ۹۲؛ علوم قرآنی، محمد هادی معرفت، ۵۷ - ۵۹؛ تاریخ قرآن، محمود رامیار، ۱۹۴ - ۱۹۷.
۵. معرفت، محمد هادی، التمهید، ۱ / ۲۷۳ - ۲۷۴.

۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۱/ ۳۴ - ۳۶. البته این مقدمه از علی بن ابراهیم نیست، بلکه شاگرد او ابوالفضل علوی این مقدمه را ضمیمه کرده است. بنگرید به: صیانه القرآن من التحریف، محمد هادی معرفت، ۲۲۹.

۷. معنای آیه شریفه چنین است: آیا کسی که دارای بینش الهی است که با آن بینش برایش روشن گشته است که قرآن حقی است که از جانب خداوند نازل شده و در حالی که با او نیز شاهدهی است که با بصیرت بر این مطلب گواهی می دهد و نیز در حالی که پیش از آن، کتاب موسی به عنوان امام و هادی به حق و رحمت بوده است. یعنی این شخص یا کتاب الهی چیز تازه و بی سابقه ای نبوده بلکه پیش از آن نیز نظیرش وجود داشته است. المیزان، ۱۰ / ۱۸۶.

۸. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ۷۵ / ۹۲.

۹. بنگرید به: الاتقان، ۱ / ۱۳۶ - ۱۳۷؛ بحث فی تاریخ القرآن و علومه، ۴۰ - ۵۲.

۱۰. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ۱ / ۱۳۶.

۱۱. معرفت، محمد هادی، التمهید، ۱ / ۲۷۵.

۱۲. همان، ۱ / ۲۷۶؛ الاتقان، ۱ / ۲۱۲.

۱۳. برای تفصیل نمونه یادشده و نیز نمونه های بیشتر بنگرید به: بحارالانوار، ۹۲ / ۶۶ - ۷۳؛ تفسیر القمی، ۱ / ۳۴ - ۳۶؛ التمهید، ۱ / ۲۷۷ - ۲۸۰.

۱۴. در این باره بنگرید به: پژوهشی در نظم قرآن، عبدالهادی فقهی زاده، ۹۷ - ۱۱۵؛ چهره زیبای قرآن، عباس همای، ۶۷ - ۱۶۵.

۱۵. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ۱۲ / ۱۲۶ - ۱۳۲.

۱۶. همو، قرآن در اسلام، ۱۳۵.

۱۷. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ۱ / ۲۱۷؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱ / ۶۰؛ علوم القرآن عندالمفسرین، ۱ / ۴۳۷.

۱۸. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ۱ / ۲۱۷.

۱۹. آلوسی، روح المعانی، ۱ / ۲۶؛ علوم القرآن عند المفسرین، ۱ / ۴۴۴.

۲۰. ابن عاشور، التحرير و التنویر، ۱ / ۸۶؛ علوم القرآن عندالمفسرین، ۱ / ۴۴۴.

۲۱. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ۱ / ۲۱۸ - ۲۱۹.

۲۲. نهاوندی، محمد، نفحات الرحمن، ۱ / ۱۲؛ علوم القرآن عند المفسرین، ۱ / ۴۴۵ - ۴۵۱.

۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۱ / ۱۵؛ التمهید، ۱ / ۲۸۳.

۲۴. صدوق، ابن بابویه، اعتقادات، ۸۲، باب ۳۱.

۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۱ / ۱۳.

۲۶. منهج الصادقین، ۱ / ۱۳.

۲۷. سعد السعود، ۳۹ - ۴۰.

۲۸. الفصول المهمة، ۱۶۶.

۲۹. اجوبه مسائل موسی جارالله، ۳۹ - ۴۰.

۳۰. البیان فی تفسیر القرآن ، ۲۳۹ - ۲۵۹.
۳۱. تفسیر نوین، مقدمه، ۱۶.
۳۲. القرآن الکریم و روایات المدرستین.
۳۳. قرآن هرگز تحریف نشده است، ۲۶.
۳۴. دراسات قرآنیة، تاریخ القرآن، ۷۰ - ۷۲.
۳۵. حقایقی مهم پیرامون قرآن کریم، ۴۷.
۳۶. تدوین القرآن، ۲۳۱.
۳۷. روح المعانی، ۱ / ۲۵.
۳۸. تفسیر القرآن الکریم، ۶۰۴، والی القرآن الکریم.
۳۹. مناہل العرفان، ۱ / ۲۳۹ - ۲۴۰.
۴۰. مباحث فی علوم القرآن، ۷۰ - ۷۱.
۴۱. ابن جزی، التسهیل لعلوم التنزیل، ۱ / ۴؛ علوم القرآن عند المفسرین، ۱ / ۴۳۵.
۴۲. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ۱ / ۲۱۶.
۴۳. طباطبائی، محمدحسین، المیزان، ۱۲ / ۱۲۴ - ۱۲۵.
۴۴. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ۱ / ۲۸۰ - ۲۸۸.
۴۵. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ۱ / ۲۱۶؛ زرکشی، محمد بدر الدین، البرهان، ۱ / ۲۵۷.
۴۶. آلوسی، روح المعانی، ۱ / ۲۶.
۴۷. زرکشی، محمد بدر الدین، البرهان، ۱ / ۲۵۷.
۴۸. سیوطی، الاتقان، ۱ / ۲۱۸؛ آلوسی، روح المعانی ج ۱ / ۲۷.
۴۹. زرکشی، البرهان ۱ / ۲۵۷؛ سیوطی، الاتقان، ۱ / ۲۱۸؛ همو، تناسق الدرر فی تناسب السور (چاپ شده با عنوان ترتیب سور القرآن)، ۳۳.
۵۰. همان.
۵۱. سیوطی، جلال الدین، تناسق الدرر فی تناسب السور، ۳۵.
۵۲. عبدالله محمد شحاته، علوم القرآن، ۲۴۰.
۵۳. حجتی، محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ۹۰.
۵۴. معرفت، محمد هادی، التمهید، ۱ / ۲۸۱.
۵۵. جلالی نائینی، محمد رضا، تاریخ جمع قرآن کریم، ۱۵۴.
۵۶. تفسیر قرطبی، ۱ / ۶۰.
۵۷. عبدالحمید ابراهیم سرحان، الوحی القرآنی، ۱۴۸.
۵۸. بنگرید به جدول تطبیق و مقارنه میان مصاحف، التمهید، ۱ / ۳۲۶.
۵۹. درباره کیفیت ترتیب مصحف امیرالمؤمنین (ع) آقای سید محمدباقر حجتی بررسی گسترده ای انجام داده اند، بنگرید به پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ۳۸۸ - ۴۱۸.
۶۰. جلالی نائینی، محمد رضا، تاریخ جمع قرآن کریم، ۱۵۴.

۶۱. محمد ابوشهبه، المدخل لدراسة القرآن الكريم، ۲۹۶.
۶۲. جلال الدين سيوطي، ترتيب سور القرآن، ۷۲ - ۶۹.
۶۳. بنگريد به تفسير المنار، ۱۰ ص ۱۴۷ - ۱۴۸.
۶۴. طبرسي، فضل بن حسن، مجمع البيان، ۴ / ۵.
۶۵. مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار ۵۳ / ۳۳۹؛ معرفت، محمد هادي، التمهيد ۱ / ۲۷۶.
۶۶. معرفت، محمد هادي، التمهيد ۱ / ۲۷۶.
۶۷. براي نمونه بنگريد به: دراسات قرآنية، محمد حسين علي الصغير، بخش تاريخ القرآن، صفحه ۷۰ و ۷۲ به بعد.
۶۸. خويي، ابوالقاسم، البيان في تفسير القرآن، ۲۳۹ - ۲۵۸.
۶۹. بنگريد به: التمهيد، ۱ / ۲۸۵ - ۲۸۶.
۷۰. بنگريد به: القرآن الكريم و روايات المدرستين، ۲ / ۷۱ - ۹۱.
۷۱. كيهان انديشه، شماره ۸۲ / ۱۹۷ - ۲۰۰.
۷۲. منتظري، حسينعلي، نهاية الاصول، تقرير ابحاث آية الله بروجردي، ۴۸۳ - ۴۸۴.
۷۳. كوراني عاملي، علي، تدوين القرآن، ۲۳۱ - ۲۳۲.
۷۴. جلالی نائینی، محمدرضا، تاريخ جمع قرآن كريم، ۱۵۴؛ محمد تقی شریعتی، تفسير نوین، ۲۰، مقدمه.
۷۵. سيوطي، جلال الدين، ترتيب سور القرآن (تناسق الدرر في تناسب السور)، ۳۵۰.
۷۶. زرکشی، محمد بدر الدين، البرهان، ۱ / ۲۶۰.
۷۷. همان، ۲۶۰ - ۲۶۲.
۷۸. البيان، ۱ / ۲۵۳ - ۲۵۵.
۷۹. سيوطي، جلال الدين، الاتقان، ۱ / ۵۷.
۸۰. صبحي صالح، مباحث في علوم القرآن، ۷۰.
۸۱. در اين باره بنگريد به: پژوهشی در نظم قرآن، عبدالهادی فقهی زاده، ۶۴ - ۶۹.
۸۲. از حاصل ضرب ۱۱۴ سوره در يکديگر (۱۳۰۱۶) گونه ترتيب برای سوره های قرآن به دست می آيد.
۸۳. راميار، محمود، تاريخ قرآن، ۲۹۱.
۸۴. در اين باره بنگريد به: صيانة القرآن من التحريف، محمد هادي معرفت، ۴۳ - ۵۰.